



عضو کمیسیون اقتصاد مجلس  
شورای اسلامی تشریح کرد

# اما و اگر های خصوصی سازی به سبک ایرانی

خصوصی سازی هدفمند و هوشمند برای رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و باید سرلوحه اهداف، محور راهبردها و طرح‌های برنامه‌ریزی اقتصادی و توسعه قرار گیرد. خصوصی سازی شامل واگذاری فعالیت‌های تولیدی و تصدی گرایانه دولت به بخش‌های غیردولتی با هدف افزایش کیفیت و کاهش هزینه‌ها و قیمت تمام شده است که باید اصول رقابت و شفافیت در آن رعایت شود. راهکارهای اساسی و زیربنایی آن در جامعه نهادینه گردد و رشد و تعالی اقتصاد کشور را در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی مهیا سازد.

این نوع هدف گذاری در نمونه‌های موفق خصوصی سازی در اقتصادهای پیشرفته و توسعه یافته قابل رویت است. کشور ما هم در این راستا عمل کرده و از قافله کشورهای پیشرفته و موفق در جهان امروز عقب نمانده است.

■ با توجه به روند اجرایی شدن خصوصی سازی از سال ۸۴ تا کنون، ارزیابی شما از نحوه واگذاری‌ها چیست؟

برای رسیدن به قله‌های پیشرفت و توسعه اقتصادی، جهانی سازی، آزاد سازی تجارت و سرمایه گذاری‌های ملی،

اساسی به سرعت اجرایی شد.

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد همه اقتصادها و کشورها تلاش می‌کنند هزینه‌های تولید کالا را به حداقل برسانند و کاهش دهند. هدف از واگذاری گسترده و قابل توجه بخش‌های دولتی به خصوصی، خارج از افزایش کارایی شرکت‌های دولتی، برداشتن گام‌های بلند در اقتصاد ملی و عدالت محوری است.

روشن است که با این نگاه اقتصادی، واگذاری‌ها برای جابه جایی توان، فرصت و قدرت دولت صورت می‌گیرد. اتفاقا

«محمد حسن نژاد»، نماینده مردم مرند و جلفا در مجلس شورای اسلامی که پیش از این نیز مدیرعامل کارگزاری رضوی بود، در گفت و گو با ماهنامه بورس به تحلیل روند خصوصی سازی در ایران پرداخته است.

■ نظر شما درباره فرآیند خصوصی سازی در کشور چیست؟

به نظر من اصل خصوصی سازی برنامه‌ای بسیار خوب بود. این که اقتصاد از دست دولت خارج و به مردم هدیه داده شد، اتفاق میمونی بود که در سایه ابلاغیه اصل ۴۴ قانون

دولت‌ها در سراسر جهان، مسیر خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی را پیش گرفتند تا بهتر بتوانند در برابر فشارهای ناشی از رقابت پایداری کنند. همچنین منابع بیشتری برای اجرای برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی خود در اختیار داشته باشند؛ اما روند واگذاری‌ها در کشورهای مختلف، متفاوت بود. آنچه منطقی است رعایت اعتدال در این دوره گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی است. در کشور ما خصوصی‌سازی در دوره گذار خوداعتدال را رعایت کرد.

■ دیدگاه‌های متفاوتی در مورد موفق بودن یا نبودن برنامه خصوصی‌سازی وجود دارد. گروهی معتقد به شکست و گروهی به موفقیت نسبی باور دارند. به نظر شما کدام دیدگاه منطقی‌تر است؟ هر چند برخی معتقدند کشور ما نتوانست خصوصی‌سازی واقعی را اجرا کند و دلیل آن هم وجود و اجرای طرحی به نام سهام عدالت بود که با ورود سهام عدالت به بازار سرمایه و امکان معامله این برگه‌ها، بخشی از مشکلات برطرف خواهد شد. علاوه بر این‌ها، گروهی دیگر نیز معتقدند در جریان خصوصی‌سازی، مالکیت‌ها واگذار شد؛ اما مدیریت‌ها خصوصی نشد. در این رابطه هم باید گفت همین نیمه خصوصی شدن هم باعث بهبود عملکرد شرکت‌ها شده است؛ چراکه شرکت‌ها با ورود به بازار سرمایه شفاف‌تر می‌شوند و با ارائه گزارش‌های دوره‌ای با شفافیت بیشتری عملیات خود را ادامه می‌دهند. مردم عادی هم سهام‌دار این شرکت‌های بزرگ دولتی شدند.

■ آیا با بورس‌سی شدن پرتفوی سهام عدالت می‌توان به شفافیت و کارایی این پرتفوی خوشبین بود؟

سهام عدالت به مرور زمان و با ورود شرکت‌های سرمایه‌گذاری سهام عدالت به فرابورس برطرف خواهد شد؛ چراکه با پذیرش این شرکت‌ها در بازار سرمایه مدیریت آن‌ها نیز باید کاملاً خصوصی شود و دیگر نماینده دولت جزو اعضای هیات مدیره نخواهد بود.

■ مشتريان اصلی سهام شرکت‌های دولتی نهادهای عمومی غیر دولتی هستند که با اتکا به نقدینگی‌شان، گوی رقابت را در عرضه‌های اصل ۴۴ از بخش‌های دیگر اقتصاد برده‌اند. حضور این نهادها تا چه حد توانسته به نفع و ضرر خصوصی‌سازی باشد؟

زمانی که موضوع خصوصی‌سازی در بازار سرمایه کشور مطرح شد، ما با بازاری کوچک مواجه بودیم و بخش خصوصی قدرتمندی نداشتیم تا بتواند در عرضه‌های خصوصی‌سازی رقابت کند. در این شرایط بود که نهادهایی مثل تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی وارد عرصه رقابت شدند. اما قضیه دومی که خصوصی‌سازی را با شبهاتی در کشور ما مواجه کرد، تملک ۲۰ درصدی سهام توسط دولت بود. طبق قانون ۲۰ درصد هم در اختیار سهام عدالت قرار می‌گرفت که آن هم به نوعی در اختیار دولت بود. در کنار

این‌ها مواردی مثل رد دیون و حضور سرمایه‌گذارانی مثل تأمین اجتماعی اما و گرهایی را در خصوصی‌سازی کشور ما ایجاد کرد. بر همین اساس هم مقوله واگذاری مالکیت به تنهایی و بدون مدیریت مطرح شد.

■ رقم بالای رد دیون به نهادهای طلبکار انتقاد همیشگی به رویه خصوصی‌سازی است. به نظر شما آیا می‌توان روش فعلی را با رویکردی دیگر اجرایی کرد؟

ببینید وقتی دولت بدهکار است، باید بدهی خود را پرداخت کند. البته بهتر بود که دولت سهام خود را به فروش برساند و بدهی خود را به صورت نقدینگی به نهاد طلبکار پرداخت کند؛ هر چند طبق قانون دولت در ابتدا سهام را رد بورس عرضه می‌کند و در صورتی که خریداری وجود نداشته باشد، سهام بلوکی را بابت رد دیون به نهاد طلبکار می‌دهد؛ اما اگر سهم به فروش برسد، وجه آن به عنوان طلب دولت پرداخت خواهد شد. در این روش خصوصی‌سازی بخش قابل توجهی از بدهی دولت در قالب سهام واگذار شد؛ اما اگر بدهی دولت به صورت نقدی واگذار شود، قطعاً بهتر از واگذاری سهام است.

■ مجریان خصوصی‌سازی همواره از مقاومت مدیران شرکت‌های مشمول واگذاری سخن می‌گویند. تا چه حد این مقاومت‌ها توانسته بر روند خصوصی‌سازی تأثیر گذار باشد؟

به‌طور قطع در همه جای دنیا در برابر کوچک شدن دولت مقاومت‌هایی می‌شود و این طبیعی است که برخی در بدنه دولت هم در این خصوص مقاومت‌هایی داشته باشند. بحث تورم نیروی انسانی، اشتغال، درآمدزایی و کنترل در بخش‌های اقتصادی بود که باعث می‌شد برخی مدیران دولتی در دوره‌هایی از خصوصی‌سازی با مقاومت، باعث کند شدن این فرآیند شوند.

■ آیا مشخص است این مقاومت کنندگان، بیشتر در چه گروه‌ها یا شرکت‌های مشمول واگذاری متمرکز شده‌اند؟

در این خصوص می‌توانیم به خصوصی‌سازی در حوزه‌هایی مثل نفت و پالایشگاه‌ها و شرکت‌های پتروشیمی اشاره کنیم. یک دوره‌ای هم مقاومت‌هایی برای خصوصی‌سازی بانک‌ها وجود داشت. خودروسازان هم با هزار و یک ترفند سهام دولت را نگه داشتند و اجازه خصوصی‌سازی کامل ندادند. اما مقاومت محرز در برابر خصوصی‌سازی را می‌توان در باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس دید که سال‌هاست سازمان خصوصی‌سازی تلاش می‌کند تا این دو باشگاه را واگذار کند، اما امکان‌پذیر نیست؛ چراکه مدیران دولتی حاضر در بدنه ورزش در برابر خصوصی‌سازی این باشگاه‌ها مقاومت می‌کنند.

■ در بررسی خصوصی‌سازی ایران با سایر کشورهای

دنیا چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟

برای توضیح این مسئله ضرب‌المثل «یا رومی روم یا زنگی زنگ» مصداق پیدا می‌کند. خصوصی‌سازی در بیشتر کشورهای دنیا بر اساس همین ضرب‌المثل اجرا شد. به این ترتیب که از ترکیب اقتصادی کاملاً دولتی به ترکیب کاملاً خصوصی رسیدند؛ این تغییر یکباره فرآیند خوبی نبود. خصوصی‌سازی در ایران هر چند با حضور گروه‌هایی با عنوان شبه‌دولتی‌ها بحث‌ها و شبهات زیادی را مطرح کرد. اما با توجه به این که بخش خصوصی در کشوری که تا امروز با اقتصاد دولتی‌امور خود را گذرانده، خیلی قدرتمند نیست، بهتر است برای عبور از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی دوره‌گذاری، داشته باشیم و به صورت معتدل و منطقی این دوره را طی کنیم. این اتفاقی است که در خصوصی‌سازی کشور مادر رخ دادن است.

■ بنا بر این شما معتقدید که نهادهای شبه دولتی نقش واسطه را در گذار از اقتصاد دولتی به خصوصی دارند و خیلی هم حضورشان در برنامه خصوصی‌سازی بدنبوده؟

در هر صورت در آن دوران که خصوصی‌سازی به‌طور جدی در حال اجرا بود، بخش خصوصی قدرتمند وجود نداشت. هر چند برخی می‌گویند بخش خصوصی آمد، اما اجازه ورود ندادند. من در آن دوران مدیر عامل یک شرکت کارگزاری در بورس بودم و از نزدیک در جریان خصوصی‌سازی قرار داشتم. به‌جز دو واگذاری مخابرات و فولاد خوزستان، در هیچ‌کدام از واگذاری‌ها و رقابت‌های خصوصی‌سازی، بخش خصوصی واقعی توان حضور نداشت؛ اما فرآیند خصوصی‌سازی در کشور ما کاملاً منطقی است. به این ترتیب که شرکت‌های حاکمیتی از غیرحاکمیتی جدا شدند. بخش کنترلی و نظارتی که بخشی حساس است، در اختیار دولت قرار گرفت و مابقی واگذار شد.

■ آیا خصوصی‌سازی می‌تواند به عنوان امری برای توسعه و افزایش کارایی در اقتصاد ایران تلقی شود؟

در جریان خصوصی‌سازی، امکان همگانی شدن اقتصاد با مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی به گسترده‌ترین شکل ممکن فراهم می‌شود. اگر موانع و دشواری‌های موجود بر سر راه تسریع روند خصوصی‌سازی برداشته شود و دستگاه‌های مربوطه بتوانند موانع را شناسایی و رفع کنند، بخش خصوصی واقعی نیز در راستای رسیدن به اهداف توسعه‌ای راحت‌تر قدم برمی‌دارد. با مدنظر گرفتن تمام جوانب، مشکلات و موانع خصوصی‌سازی در کشور و با تقویت و توسعه بخش خصوصی که تنها گزینه پیش روی اقتصاد ملی است، می‌توان توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور را انتظار داشت. خصوصی‌سازی با اهداف افزایش بازدهی و عدالت اجتماعی و اقتصادی در کشور اجرایی و منابع حاصل از آن برای بستر سازی برای رشد و توسعه اقتصاد کشور هزینه‌شد.



گروهی معتقدند

در جریان

خصوصی‌سازی،

مالکیت‌ها واگذار

شد؛ اما مدیریت‌ها

خصوصی نشد.

در این رابطه

باید گفت همین

نیمه خصوصی

شدن باعث بهبود

عملکرد شرکت‌ها

شده است؛ چراکه

شرکت‌ها با ورود به

بازار سرمایه شفاف

می‌شوند